

From: ~~montazeri@montazeri.com~~
To: <montazeri@montazeri.com>
Sent: ۲۰۲۳ م ۱۹ رجب
Subject: your trip to Kerogane-Jasb

with due respect, this morning I was reading your book of Khaterat. I came across your trip to jasb as per ayatollah Borojerdie's instruction. Since I am from that village, I will be very grateful if you please elaborate on followings points.

- 1) How many times you made similar trip to Jasb.
- 2) Do you remember the name of any body from that village
- 3) what was the result of those trip.
- 4) such kind of trip, and having such kind of discussion. how much they have influenced your way thinking.

I will be extremely grateful if kindly answer me on following address.

~~montazeri@montazeri.com~~

باسمه تعالی

پس از سلام دعوت کنندگان من اهل کروگان بود و سفر من بعد از ماه رمضان بود در آنجا افراد بهائی و بودایی بودند از جمله علی محمد زرف که تبلیغات بود از من آنها بیابوی حنا رفیدی منبر می رفتیم و حاجت هم می خواندیم در درابطه با حضرت حجت و ادعای غلط بهائیت می کردم با کن خلیج دوستانه و از بهائیت دعوت کردم شرکت کنند و می نمودند، از آنجا من معروف محل سید طاهران کاشفی بود و دو برادر بودند به نامهای آقا اکبر و آقا ماشاد که زیاد با من مربوط بودند، برادر سوم آنان آقا نظام بود که زن بهائی گرفته بود. مردی بود به نام میرزا حسین مرد خرم بود و با من رفت و آمد داشت برادر زینت صاحب دو فروسی در تهران که به بهائیت تمایل پیدا کرده بود و من با او زیاد صحبت کردم جوانی بود به نام آقا حسین و به من گفت: در ماه رمضان فقط من روزه می گرفتم و من به عنوان اقران من به مردم این کلام را در منبر از او نقل کردم و هیچکس تکیه نکرد. و بالاخره حدود دو ماه با خانواده در کروگان بودم و بعد با ما همین بار می از راه کروگان به قم برگشتم، و به نظر من تبلیغات من نسبتاً کمتر بود مخصوصاً بعد از آنکه آقای کاشفی عنوان کرده بود برای من گندم جمع آوری کنند و من گندم به عنوان مزد تبلیغات من چیزی نمی گیرم، و چیزی از مردم نگرفتم.



۱۹ رجب ۱۴۰۳